

معلمی در یک قاب!

منش معلمی و رشد همه‌جانبه

دکتر لیلا سلیقه‌دار
معلم و جویبشگر
تعلیم و تربیت

در شمارگان گذشته، در طول سال تحصیلی جاری، به منش معلمی از زوایای گوناگون پرداختیم. در این شماره به رسم نگاهی بر جریان کلی منش معلمی و نیز جمع‌بندی آنچه تاکنون اشاره شده است، به وجهی از منش معلمی می‌پردازیم که در آن کل وجودی معلم و ابعاد انسانی او را نه تنها در ارتباط با دیگران، بلکه در حوزه شخصی نشانه‌گیری می‌کند. این جمع‌بندی ناظر بر آن است که رفتار معلم نشئت گرفته از باور و نگرش اوست. ممکن است به نظر برسد او تنها در حوزه و رشته تدریس خود اثرگذار است، اما در واقع معلم در تمام ابعاد رشد و تربیت دانش‌آموزان اثر دارد و بدیهی است هر قدر درونیات پرارزش و قابل‌اعتنایی دارد، به همان نسبت نیز می‌تواند اثرات سازنده و ماندگاری در جریان تربیت داشته باشد. براین اساس، منش معلمی را در ساحت‌های شش‌گانه‌ای که از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اقتباس شده است، بررسی می‌کنیم.



شما چگونه فردی هستید؟!

* به رشد و پرورش بعد عبادی، معنوی و ارزشی خود توجه دارم و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنم.
* برای پرورش و توسعه توانایی‌های زیبایی‌شناختی و هنری خود اقدام می‌کنم.
* تمرین‌ها و ورزش‌هایی را که در راستای سلامت جسمی و روانی هستند انجام می‌دهم.
* برای پرورش و تقویت توانایی‌های اجتماعی و سیاسی خود در دوره‌ها و فعالیت‌های آموزشی مشارکت فعال دارم.
* مهارت‌های اقتصادی خود را مطابق با شرایط و علم روز توسعه می‌دهم.
* برای رشد قوای ذهنی و به‌روزرسانی علمی خود تلاش می‌کنم و برنامه منظمی دارم.

پاسخ شما به هر یک از سؤالات یادشده، نماینده بخشی از واکنش‌ها و رفتارهای شما در ارتباط با همکاران است. هر گزاره در این نوشتار بیشتر بررسی می‌شود. در هر زمینه، ابتدا پاسخ و رفتار خود را مورد نظر قرار دهید و سپس مطالب را با نگاه نقادانه مطالعه کنید.

انسان موجودی چندبعدی است!

در کار معلمانی که در گذشته تصور می‌کردند تنها مسئول علم و آگاهی دانش‌آموزان هستند و به همین دلیل تنها یک بعد وجودی آن‌ها را نشانه می‌گرفتند، همواره نقص تربیتی قابل مشاهده‌ای بوده است. این در حالی است که امکان ندارد یادگیری ذهنی بدون تأمین آمادگی روانی رخ دهد. همچنین، نادیده گرفتن دیگر ابعاد رشدی، مانع بزرگی در راه پیشرفت و توسعه فردی و به‌ویژه یادگیری‌های مبتنی بر مهارت‌ورزی و علم‌آموزی نیز محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، ابعاد وجودی مربی بر متری تأثیر می‌گذارند. برای مثال، معلمی که در سبک زندگی خود با ورزش و سلامت بدنی انس و الفتی ندارد، نمی‌تواند ترغیب‌کننده دانش‌آموزان در این باره باشد. همچنان که وقتی «روحیه یادگیری» در مربی کاهش یافته یا به نقطه رکود رسیده است، مشوق تأثیرگذاری برای یادگیرنده بودن دانش‌آموزان نیست و معمولاً یادگیری را با روش‌های حافظه‌محور محدود می‌کند.

تجربه مدرسه‌ای

مشاوری داشتیم که به دانش‌آموزان برنامه مطالعاتی مشخصی می‌داد که در آن ساعت شروع و پایان انجام فعالیت‌های درسی تعیین شده بود. برخی دانش‌آموزان با این نوع برنامه مشکلی نداشتند و از اینکه تمام مدت تنها به مطالعه بپردازند، فارغ از اینکه چه نتیجه‌ای دریافت کنند، احساس می‌کردند راضی هستند و دست‌کم به قول خودشان عذاب وجدان نداشتند. اما

در مقابل بخش عمده‌ای از دانش‌آموزان بسیار خموده و بدون انرژی برنامه را به اجرا در می‌آوردند. از نتایج نیز شاک می‌بودند و می‌پرسیدند چرا با اینکه ساعت‌های زیادی مطالعه می‌کنند، نتیجه چندان رضایت‌بخش نیست؟ نگاهی کلی به برنامه نشان می‌داد، پیش‌بینی نکردن زمانی برای ورزش و تمرین بدنی، از جمله نقاط ضعف برنامه هستند که به‌وضوح دیده می‌شوند. این مورد را با مشاور در میان گذاشتیم و خاطرنشان کردیم، اگر این موضوع برای ایشان روشن نیست، می‌تواند دست‌کم برای عده‌ای از دانش‌آموزان که با برنامه همراهی می‌کنند، زمان ورزش و نرمش قائل شود. برنامه پیشنهادی تکمیلی به دانش‌آموزان ارائه شد و در همان هفته‌های اول اجرا، نتایج قابل‌قبولی با تفاوت بسیار از گذشته به دست آمدند.

وجوه اجرایی برنامه زندگی

هنگامی که از برنامه‌ریزی برای زندگی صحبت می‌شود، منابع گوناگون در زمینه توسعه فردی، محورهای خاصی را برای توجه به ابعاد چندگانه در برنامه زندگی پیشنهاد می‌دهند. برای مثال، یکی از این الگوها در کتاب «هفت عادت مردمان مؤثر» اثر **دیل کارنگی** آمده است که به چهار حوزه اشاره کرده است. با نگاه به دسته‌بندی‌های گوناگون می‌توانیم از الگوی ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در سند تحول بنیادین اقتباس کنیم و از آن‌ها به‌عنوان بازوهای اجرایی در برنامه‌های چندجانبه زندگی الهام بگیریم. در این حالت، اگر بپذیریم بعد اقتصادی در زندگی معلمان و مرتبط با حرفه آن‌ها دنبال می‌شود، لازم است آن‌ها در پنج زمینه دیگر برنامه‌هایی را به اجرا در آورند. این برنامه‌ها عبارت‌اند از:

• برنامه‌های معنوی و ارزشی

• برنامه‌های فرهنگی، هنری و زیبایی‌شناختی

• برنامه‌های جسمی و بدنی

• برنامه‌های اجتماعی و ارتباطی

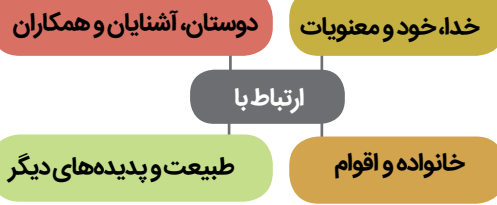
• برنامه‌های یادگیری (علمی، اقتصادی، سیاسی و ...)

نیازهای اعتقادی و اجتماعی زندگی من

بخشی از برنامه‌های روزانه معلم می‌تواند بر بعد اعتقادی و ارزشی ناظر باشد. لازم است معلم با رعایت تعادل و تناسب میان برنامه‌ها، بخشی از وجود خود را که نیازمند دریافت توجه به معنویات است نشانه‌گیری کند و در این باره فعالیت‌هایی تدارک ببیند.

معلمی که با وجود درگیر بودن همه‌روزه با تدریس و مدرسه، به‌صورت مشخص برای ارتباط با خانواده، دوستان، اطرافیان و نیز خود و خدای خود برنامه‌ریزی می‌کند، به‌نوعی بر دو بعد

مهم وجودی تمرکز کرده است. لایه‌های این نوع ارتباط موجب می‌شوند او با توانایی و حضور پرقدرت‌تری در حوزه حرفه‌ای خود ایفای نقش کند.



علاوه بر بعد ارتباط با خود و معنویات زندگی، لازم است بخشی از برنامه به ارتباط وقت‌گذاری با اعضای خانواده اختصاص داده شود و در برنامه‌های بلندمدت‌تر مانند برنامه هفتگی، اوقاتی برای ارتباط با اقوام، دوستان و آشنایان لحاظ شوند که در پی صلۀ رحم، موجب مهارت‌های ارتباطی و هم‌آموزی می‌شوند، و حال خوب را تقویت می‌کنند.

بدیهی است، بخشی از ارتباط و الهام‌گرفتن و یادآوری نعمت‌های الهی به گذران زمان در دل طبیعت و پرداختن به رخدادهای طبیعی و خلقت زیبای پروردگار مربوط است که می‌تواند در برنامه روزانه معلم موردتوجه قرار گیرد.

تجربه کلاسی

به مدرسه‌ای منتقل شده بودم که در منطقه نابر خوردار اقتصادی شهر قرار داشت. غالباً از اینکه فقر موجب چه اتفاقات بدی برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها شده است، رنج می‌بردم و وقت زیادی را برای آن‌ها صرف می‌کردم تا دست‌کم مدرسه برایشان خوشایندتر باشد. این فشار موجب شده بود گاهی احساس کنم توانایی روحی را برای پیگیری و اجرای برنامه‌های ذهنی‌ام کمتر در اختیار دارم. به همین دلیل تصمیم گرفتم از زمان‌هایی که لزوماً لطمه‌ای به خانواده و مدرسه وارد نمی‌کرد، برای ایجاد حال خوب خودم بیشتر بهره بگیرم. برای مثال، برای آمدن به مدرسه، در میدانی از شهر از سرویس معلمان پیاده می‌شدم و باقی راه را پیاده می‌رفتم. در راه متوجه شدم از میان یکی از کوچه‌های نزدیک به مدرسه امکان دیدن خورشید صبحگاهی از یک منظره دل‌نشین فراهم است. این موضوع برای من به انگیزه‌ای تبدیل شد که صبح دقایقی زودتر، خودم را به آن محل برسانم، لذت و آرامش این ارتباط برایم بسیار بود. فکر کردم از دانش‌آموزان دعوت کنم با هم از این اتفاق به‌ظاهر رایگان و کاملاً در دسترس بهره ببریم. جالب بود که منزل یکی از دانش‌آموزان در همان کوچه بود و همراه او و چند نفر دیگر، این مشاهده کوتاه‌مدت از خورشید اول صبح آغاز شد.

کم‌کم آوازه این همراهی در مدرسه پیچید. اوایل والدین دانش‌آموزی که در همان کوچه ساکن بودند به یک فنجان چای

اصرار می‌کردند. بعد به این فکر افتادم که آب جوش از آن‌ها باشد و چای کیسه‌ای را من تهیه کنم. وقتی استقبال بیشتری از این برنامه صورت گرفت، حسینیۀ محله هم پیش‌قدم شد و کار تهیه چای صلواتی و حتی برخی روزها صبحانه سلامت و اتفاقاتی از این دست رونق گرفت.

هنوز سال تحصیلی تمام نشده بود که شنیدم دانش‌آموزان همراه خانواده برای دعای صبح روز جمعه و یک گردش نیم‌روزی، به فضای سبز نزدیک آن کوچه، که از بلندی قابل دیدن بود، می‌آیند. خوش‌حال شدم که کلی تجربه شیرین و اثرگذار در اثر این پیوند و ارتباط جان گرفته بود.

عقل سالم در بدن سالم است

یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های من به بازدید از بازنشستگانی مربوط است که سال‌ها عمر و زندگی خود را صرف خدمت کرده‌اند و معمولاً این سال‌ها را با مشکلات جسمی بسیار پشت سر می‌گذارند. معمولاً یکی از شکایت‌های آن‌ها این است که به اندازه کافی زمانی را برای تقویت بدن خود اختصاص نداده‌اند. در یکی از تجربه‌های کاری، با معلم بازنشسته‌ای مواجه شدم که می‌گفت: «تا دیروز در کلاس بودم و از صبح روز بازنشستگی از مطب یک پزشک به مطب دیگری می‌روم، چون وقتی برای سلامتی‌ام در نظر نگرفته بودم.» این قبیل تجربه‌ها نشان می‌دهند که سلامتی و قدرت جسمانی امروز نعمتی است که در صورت بی‌توجهی و رسیدگی نکردن لازم، دیر یا زود از دست می‌رود. گذشته از آن، معلمی که به باور سبک زندگی سالم در گرو تحرک و ورزش نرسیده است، قادر نخواهد بود به این ساحت از تربیت دانش‌آموزان و این نیاز اساسی آن‌ها توجهی داشته باشد.

با این نگاه، ضروری است فعالیت‌های بدنی، ورزش و تحرک جسمانی به بخش ثابت و جدایی‌ناپذیر برنامه روزانه معلم تبدیل شوند.

تجربه مدرسه‌ای

در دوران دانش‌جومعلمی در مسابقات ورزشی شرکت می‌کردم و چندین رتبه کشوری و استانی را هم به دست آورده بودم. زمانی که سال‌های خدمتم در مدرسه آغاز شد، چنان مشتاق ارائه خدمت بودم و نیز هرگز نیاموخته بودم چطور با توازن به سلامت جسمی هم توجه داشته باشم که از زندگی قهرمانی من در مسابقات ورزشی، چیزی حتی در حد نرمش روزانه هم باقی نمانده بود. سال‌ها از آن روزها می‌گذشت، کم‌کم برنامه‌های پرتحرک و فعال پایش به کلاس‌های درس باز شدند که می‌توانستند اتفاقات یادگیری و تربیتی خوبی را رقم بزنند. به همین دلیل و بر اساس شناخت قبلی از خودم، در طراحی‌های آموزشی، از این برنامه‌ها نیز در نظر گرفتم. اما با اولین اجرا متوجه شدم دیگر توانایی قبلی را ندارم و نمی‌توانم بازی‌های حرکتی را همراه با دانش‌آموزان

به‌خوبی به اجرا در آورم.

این نشانه‌ها که تقریباً پس از ده سال از شروع کارم نمایان شده بودند، مرا به این فکر انداختند که ورزش را به‌عنوان یکی از فعالیت‌های ویژه معلمان به مدرسه پیشنهاد دهم. کارچندان سختی نبود. با مراجعه به شهرداری منطقه و درخواست از طریق اداره آموزش و پرورش، برخی تجهیزات ساده و در عین حال کاربردی در حیاط مدرسه نصب شدند. این رخداد انگیزه تازه‌ای برای معلمان در پی داشت. هر روز صبح پیش از شروع کلاس‌ها برنامه‌هایی را برای هر معلم علاقه‌مند و داوطلب نوشتم تا هر کدام با الگوی ویژه خودش تمرین‌هایی را انجام دهد. کم‌کم گروه‌های علاقه‌مند جذب شدند. برخی مواقع بعد از تعطیلی مدرسه می‌ماندیم و ورزش‌های هوازی انجام می‌دادیم. در ادامه، برای جلب بیشتر توجه همه همکاران و نیز اثرگذاری بر دانش‌آموزان، جام‌های ورزشی را تعریف کردیم که درون مدرسه‌ای بودند و در برخی رشته‌ها مسابقات به‌صورت گروهی با مشارکت دانش‌آموزان در هر تیم صورت می‌گرفت. این فعالیت‌ها سرآغازی برای اقدامات در سطح منطقه بودند و معلمان بسیاری را به خانواده ورزشی دعوت کردند.

از کوزه همان برون تراود که در اوست!

در کارگاه‌های آموزشی، به‌نوعی می‌توانیم به‌تازگی به جرگهٔ تعلیم و تربیت پیوسته‌اند یادآور می‌شوم، برای موفقیت در تدریس و تربیت نیازمند خلاقیت بالا هستیم. علاوه بر ضرورت بهره‌مندی از تفکر خلاق در ایده‌یابی و اجرای آن، که در طول فرایند یاددهی یادگیری جایگاه ویژه‌ای دارد، نیاز معلمان به حوزه‌های هنری و دستیابی به یک یا چند زمینه هنری در این باره همواره نمایان است. نمونه‌هایی که در ادامه می‌آیند، بخشی از زمینه‌های مربوط به معلم هستند که به تظاهر و بهره‌مندی هنری وابسته‌اند:

- * ایجاد آراستگی در فضای فیزیکی کلاس درس با کمک توانایی نقاشی و طراحی؛

- * طراحی نمایش برای اجرا در بخش انگیزه اولیه و تدریس؛
- * تهیه محتوای الکترونیک که علاوه بر تسلط بر محتوا نیازمند نگاه و مهارت هنری است؛

- * بهره‌مندی از موسیقی و ریتم در تدریس؛

- * تکیه بر دست‌ورزی در کلاس درس.

علاوه بر مثال‌های یادشده، زمینه‌های گوناگون بسیار دیگری نیز در فرایند یاددهی یادگیری وجود دارند که با توجه به میزان آشنایی معلم با هنر و فرهنگ، امکان بروز مؤثرتر پیدا می‌کنند. ضمن آنکه به‌صورت کلی هنرمندی و فرهنگ معلم نیز به‌صورت غیرمستقیم بر پرورش حس زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد، زیرا هنر و فرهنگ با کیفیت زندگی انسان رابطه مستقیم دارد و بدیهی است معلمی که از زندگی باکیفیتی برخوردار است، در این زمینه چراغ راه مناسبی برای یادگیرندگان است. در ادامه به بریده‌ای از

نتیجه یک مطالعه (نقش و جایگاه هنر در کیفیت زندگی انسان، سومین فراهمایی بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی و مدیریت در جامعه، ۱۴۰۰) توجه کنید:

در این پژوهش، لایه‌های وجودی انسان به پنج ساحت جسم، حس، روان، عقل و جان تفکیک شده‌اند و سپس چگونگی اثرگذاری هنر بر هر لایه مورد مطالعه قرار گرفته است. به‌اختصار می‌توان گفت، دو لایه جسم و حس انسان تحت تأثیر روان هستند. هنر در پایین‌ترین سطح خود به‌وسیله حواس درک می‌شود. بنابراین، حواس پنج‌گانه و قوه پردازشگر آن‌ها با تمرین‌ها تقویت و بر کارایی‌شان افزوده می‌شود. بخش سوم، تأثیر هنر بر روان است که حجم قابل توجهی از پژوهش را به خود اختصاص داده و نشان داده شده است که هنر به‌عنوان ابزاری کارآمد در نشاط و سلامت روان، پیشگیری از اختلالات روانی و روان‌درمانی قابل بهره‌برداری است. همچنین، سلامت روان، سلامت جسم و تقویت کارکرد حواس را نیز در پی دارد. بخش چهارم، تأثیر هنر بر عقل (بعد اندیشمند و آموزش و تربیت‌پذیر) است. هنر در ایجاد نگرش‌ها، تحکیم گرایش‌ها و ایجاد نظام ارزشی تربیتی مؤثر واقع شده و به دلیل ماهیت غیرکلامی، در تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی اهمیتی بسیار به خود اختصاص می‌دهد. پنجمین سطح بر جهان‌بینی و زیبایی‌شناسی ذاتی نظر دارد و به‌واسطه آن مسیر انسان منزه در نیل به درک حقایق مکتوم هستی و انعکاس پاره‌هایی از مشاهدات انفسی به ساحت دریافت عینی هموارتر می‌شود.

کوتاه سخن

هر چند ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنایی برای برنامه درسی ملی و ساختار تربیتی است، اما می‌تواند دست‌مایه مناسبی برای هر معلم باشد تا هر یک از زمینه‌های وجودی خود را مورد توجه قرار دهد و از آن‌ها غافل نباشد. ممکن است برخی تصور کنند منش معلمی تنها به رفتار و گفتار او محدود است، این در حالی است که بسیاری از جوانب تأثیرگذار بر دانش‌آموزان، جنبه‌های نگرشی، سبک زندگی، بینش و باورمندی معلم هستند و به این ترتیب می‌توان گفت تمام معلم بخشی از منش اوست و به همین دلیل همواره بر تزکیه خود به‌عنوان ضرورتی در کار معلمی تأکید شده است. شایستگی ایفای نقش در مقام معلمی این است که در تمام ابعاد وجودی خود دقیق باشیم و به رشد و پرورش آن‌ها بپردازیم.

پی‌نوشت

1. <https://elmnet.ir/Content/UserProfile/Document/10072081-0801a02c-7c18-4bee-83e2-4de3b6b91f29.pdf>